تاثیر عوامل غیرمعرفتی بر باور دینی از دیدگاه استاد مطهری و ویلیام جیمز

 **چکیده**

پرسش اصلي پيش روي معرفت شناسان کنوني، تاثير و يا عدم تاثير عوامل غير معرفتي بر باورهاي ديني است. در اين زمينه معرفت شناسان به دو گروه تقسيم شده اند که گروه اول، بر مبناي اين که ما در قبال باورهايمان منفعل هستيم، تاثير عوامل غير معرفتي را ناديده مي گيرند و گروه دوم بر اساس اين باور که ما در در برابر باورهايمان فعال هستيم، قائل به تاثير عوامل غير معرفتي در کنار عوامل معرفتي هستند. در اين زمينه ويليام جيمز تاثير هر سه ساحت وجودي را بر انسان مي پذيرد و براي اولين بار هفت عامل غير معرفتي را که داراي تاثيرات مثبت و منفي بر باورهاي انسان هستند، ذکر مي کند. وی این عوامل را عبارت از بیم وامید، عشق و نفرت، منفعت شخصی، منفعت گروهی، و القائات دوران کودکی می داند. این پژوهش مشخص می کند که انسان بدون توجه به آنچه که در شخصیت و درونش می گذرد، به معرفت نمی تواند دست پیدا کند. استاد مطهري نيز يکي از معدود متفکران اسلامي است که بر عوامل غیر معرفتی بسیاری تاکید داشته اند و در این زمینه بر نقش هدایت گری جنبه های عاطفی و ارادی انسان و قلب آراسته به فضایل اخلاقی و معنوی، به شرط آنکه خوب تربیت شده باشند تکیه میکنند و آنها را راهنمایان قابل اعتمادی برای رسیدن به حقیقت دانسته اند. ما در تحقيق حاضر کوشيده ايم تا با ذکر ساحت هاي وجودي انسان، به ذکر عوامل غير معرفتي از ديدگاه ويليام جيمز و استاد مطهري بپردازيم و نظرات ايشان را درباره تعداد اين عوامل و نقش مثبت و منفي آن ها بر باور ديني بررسي کنيم.

**کلمات کليدي:** ويليام جيمز، استاد مطهري، ساحت هاي وجودي انسان، عوامل غير معرفتي، باور ديني، ارادي يا غير ارادي بودن باور